

معدنچیان شرق اوکراین در سودای شوروی سابق

ترجمه: سودابه رخش



معدنچیان شرق اوکراین

می‌گوید که با این روش‌ها موافق نیست. با وجود تمایل مردم این منطقه به روسیه، شک و تردید و اضطراب در جدایی‌طلبان وجود دارد. موقعیت دشواری‌است، با جدایی این منطقه از اوکراین، شغل‌هایی با دستمزد بالا احتمالاً به وجود نمی‌آید و فساد هم مشکلی است که پیش‌روی این منطقه است. بر اساس نظرسنجی یک موسسه تحقیقات اجتماعی و

تحلیل سیاسی مستقر در دونتسک، ۶۵درصد شهروندان دونتسک ترجیح می‌دهند که این شهر بخشی از اوکراین باقی بماند. هرچند گروهی از کارگران معدن مواعی ایجاد می‌کنند اما واقعیت روی اوضاع می‌کنند است. در دونتسک، زمین کمی متفاوت است. به‌دنبال استقلال اعلام‌شده توسط طرفداران روسیه در دونتسک، پرچم جمهوری خلق دونتسک در مقابل ساختمان شورای شهر شهرستان «شاختار» آویزان شده است. روی در ورودی

پشتی این ساختمان هم پوستری روی پنجره نصب شده که مردم می‌توانند برای پیوستن به جنبش شبه‌نظامی، روی آن ثبت‌نام کنند.

یانوکویچ شرایط مطلوبی را برای بخش معدن فراهم

کرده بود و به همین دلیل این منطقه به پایگاه سیاسی او تبدیل شده است. برخی از کارگران معدن بیم آن دارند که دولت جدید کیف یک سیاست‌هایی را اعمال کند که بر اساس آن برخی معادن بسته شده و در نتیجه، معادن غیرقانونی خطرناک رونق بگیرند. آدام سسوان، جغرافیدان دانشگاه اقتصاد نانتینگهام که سال‌ها روی اقتصاد منطقه تحقیق کرده است در این رابطه می‌گوید:

«این شرایط می‌تواند به تعطیلی معدن زغال‌سنگ و بیکاری کارگران منجر شود و از همین‌رو کارگران ازان گذشته معدن با کار در معادن غیرقانونی جان خود را به خطر بیندازند.» معادن قانونی دستمزد، مزایا و امنیت بهتری بهه کارگران می‌دهند و در صورت آسیب‌دیدن نیز از آنها پشتیبانی می‌کنند. آندره پنج سال در یک معدن قانونی کار می‌کرده اما این معدن تعطیل شده و حالا فقط می‌تواند در معادن غیرقانونی کار پیدا کند.

دستمزد او در هر ماه ۳۵۰دلار است اما او می‌گوید اگر در معدنی قانونی کار کند، می‌تواند ۸۷۰دلار در هر ماه دستمزد بگیرد. کار مخاطره‌آمیزی است. سال گذشته

سقف یکی از این معادن مانند بهمین بر سر او ریخت و او

ارزیابی طولانی‌ترین جنگ تاریخ و صلح سرد

حدود ۵۰درصد تولید ناخالص ملی اتحاد شوروی صرف امور دفاعی می‌شد. اما گام سوم جلوگیری از گسترش نفوذ کمونیسم و مهار شوروی بود که آمریکا از دو ابزار مهم بین‌المللی استفاده کرد، یکی سازمان ملل و نهادهای زیرمجموعه آن و دیگری ناتو و پیمان‌های اقتصادی که در این مورد می‌توان گفت تااوایل ۱۹۸۰ بازی تقریباً مساوی بود. اینگونه بود که اروپای شرقی در ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ سقوط کرد و در پایان سال ۱۹۹۱ گورباچف رهبر کشوری بود که عملاً وجود نداشت.

اکنون آیا ممکن است با افزایش تنش‌ها بار دیگر نفس جهان بند آید؟

پاسخ منفی است. در حال حاضر ایالات متحده صنعتی‌ترین و مسلح‌ترین کشور دنیا با داشتن بزرگ‌ترین اقتصاد جهان و نفوذ گسترده سیاسی و رسانه‌ای می‌تواند تنها کشوری باشد که در هر زمانی و هر مکانی جنگی به راه انداخته و حتی دیگران را با خود همراه کند اما من از شما می‌پرسم روسیه چه دارد؟ اقتصاد بیماری که از شوروی سابق برایش بر اثر رسیدن و با مشکلاتی ازجمله فرار مالیاتی، وابستگی به درآمد فروش نفت و گاز، فساد اداری، سرمایه‌داری مافیایی و غیرشفاف ضعف واحد پولی، اختلاف ثروت و رفاه بین مسکو و دیگر شهرها، نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی و … روبه‌رو است. بگذریم از اینکه روسیه همچنان نسبت به تکنولوژی روز غربی (حتی در بخش نظامی) فناوری عقب‌مانده‌ای دارد.

امروز حتی روسیه در بین کشورهای اروپای شرقی که سال‌های متمادی با



سه سرباز روس در نزدیکی یک پایگاه نظامی در نزدیکی مرز اوکراین با روسیه

جهان

پرویاگاندا ی «پوتین»

استعداد پوتین برای پروپاگاندا دیگر مشخص شده است. اما همزمان با ادامه بحران اوکراین، اطلاعات نادرست افسر سابق «ک‌ک‌ب» آشکارتر می‌شود.
روش او ساده است. هرگاه او را به چیزی متهم می‌کنند، پوتین جواب می‌دهد: این کاری است که شما می‌کنید نه من.
تظاهرات‌های اعتراضی علیه دولت ویکتور یانوکویچ از کی‌یف آغاز شد. در حالی که بخش اعظم معترضان از طبقه متوسط بودند -تحصیل‌کرده‌هایی که علیه قوانین استبدادی معترض بودند- کرملین آنها را «فاشیست‌هایی خولده که کودتایی غیرقانونی به‌راه انداخته‌اند. حتی پس از آنکه تروریست‌ها و تک‌تیراندازهای یانوکویچ دهه‌انفر از معترضان را کشتند، رسانه‌های نزدیک به روسیه

مثل «راشادوی» فعالان حاضر در میدان را گروهی ارانل‌ولپاش خشن نشان دادند. بعد از آنکه در م‌اه مارس پوتین کریمه را به روسیه الحاق کرد، واشنگتن او را به نقض قوانین بین‌المللی متهم کرد. رهبر روسیه به‌سرعت این اتهام را جابه‌جا کرد و آمریکا را به شکستن قوانین بین‌المللی در بالکان، لیبی، عراق و جاهای دیگر متهم کرد. زمانی که شبه‌نظامیان طرفدار روسیه ساختمان‌های دولتی شرق اوکراین را تصرف کردند، واشنگتن پوتین را به استفاده از عوامل پنهان برای دامن‌زدن به شورش متهم کرد. پوتین نهنه‌ای این اتهامات را رد کرد بلکه گفت که این دقیقاً چیزی است که آمریکا با مهندسی تظاهرات‌های کیف انجام داده است. یانوکویچ که اکنون در مرز روسیه زندگی می‌کند، ادعاها را از این نیز فراتر برد و گفت: زمانی که جان برن، رئیس «اسپا» در ماه آوریل از کی‌یف بازدید کرد، دستور حمله نظامی نیروهای اوکراین به روس‌های ساکن شرق را صادر کرد.

فکر می‌کنید با پوتین قراردادی دارید؟ دوباره فکر کنید.
حدود دوهفته پیش با میخایجیرکی جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا توافقنامه‌ای میان مسکو، کی‌یف و اتحادیه اروپا امضا شد که بر اساس آن شبه‌نظامیان طرفدار روسیه در ازای عفو عمومی موظف می‌شدند که ساختمان‌های دولتی شرق اوکراین را ترک کنند. در عرض چندساعت سرگئی لاوروف، وزیر امورخارجه روسیه مفاد تعجب‌برانگیزی را به توافق افزود و اصرار داشت که بر اساس این توافق، معترضانی که هنوز در میدان اصلی کی‌یف کمپ زده‌اند بایدان میدان را ترک کنند. اما این موضوع هرگز بخشی از توافقنامه نبود. این قرارداد به‌سرعت متوقف شد.

این موضوع ما را به لحظه کنونی کشاند. ایالات‌متحده از پوتین خواست که چهارهزار نیروی نظامی روسی را از امتداد مرزهای شرقی خارج کند. پوتین اوکراینی‌ها را جنگ‌طلب خواند و ماه گذشته در سخنرانی‌ای عمومی گفت: «آنها کاملاً دیوانه شده‌اند، تانک و توپ و خودروهای زرهی خود را بیرون آورده‌اند. می‌خواهند با این توپ‌ها چه کنند؟ دیوانه شده‌اند؟»

کرملین در میان درخواست‌های مکرر از ارتش روسیه برای استنادگی، بی‌بایه‌ای صادر کرد و گفت که این اوکراین است که باید نیروهای خود را از حالت بسیج‌در آورد. کرملین در این بیابه‌ی افزود: «پوتین تأکید کرده است که عقب‌نشینی تمام واحدهای نظامی از مناطق جنوب‌شرقی اوکراین اکنون ضروری است.»

به نظر می‌رسد سبک پوتین مقالات آمریکایی را به سرخوردگی سوق می‌دهد. هفته گذشته، جان کری به نسخه فانتزی پوتین از واقعیت تاخت. کری گفت: «رسانه‌هایی مانند راشادوی برای پروپاگاندا و تحریف حقیقت اختصاص داده شده‌اند. او افزود: «هیچ تبلیغی نمی‌تواند حقیقت را پنهان کند.»

جمعه گذشته، ب‌لاراک اوپاسا در کنفرانس مطبوعاتی مشترک خود با آنسگلا مرکل در مورد اطلاعات نادرست پوتین صحبت کرد و گفت: «در مورد این موقعیت صداقت و اعتباری وجود نداشته است.» پوتین بی‌شک تحت‌تأثیر قرار گرفته است. او چندهفته پیش به شکایت مخالفان در مورد کنترل اطلاعات پاسخ می‌داد. پوتین در آن سخنرانی گفت: بعضی از مردم بر این باورند که هرچه می‌گویند حقیقت نهایی است و امکان ندارد که مسائل جور دیگری باشد. بنابراین وقتی آنها پاسخی می‌گیرند واکنشی احساسی نشان می‌دهند، مثل همیشه برای پوتین اشتباهات متوجه دیگران است.

منبع: تایم

نگاه

حر به تحریم «کاخ سفید» علیه «کرملین»

احمد وخشیتنه*

هنگامی که«ادوارد اسنودن» افسر اطلاعاتی ایالات‌متحده از ۲۳ژوئن تا دوم آگوست ۲۰۱۳ به‌علت ابطال گذرنامه‌اش توسط دولت آمریکا در فرودگاهی در مسکو به‌سر می‌برد و درخواست پناهندگی از دولت روسیه کرد، برخی از تحلیلگران معتقد بودند این رخداد آغازگر جنگ سردی دیگر میان روسیه و آمریکا خواهد بود. آمریکا با وضع قانون ماکنتیسکی علیه روسیه، فهرستی از افراد روس را اعلام کرد که به موجب آن تحریم‌هایی علیه آنان صورت می‌گرفت. چندی بیشتر به طول نینجامید که روسیه نیز در اقدامی متقابل قانون ضدآمریکایی دیمایاکوگولف را وضع کرد و شماری از آمریکایی‌ها را مورد تحریم قرار داد.

شدت گرفتن جنگ نیابتی در سوریه و اعلام بی‌بایه‌هایی علیه یکدیگر، نظریه جنگ سردی دیگر میان این دوکشور را تشدید می‌کرد. این جنگ سرد با تشدید ناآرامی‌ها در اوکراین و اعتراض نسبت به عملکرد «ویکتور یانوکویچ» درست در شرایطی که روس‌ها از حوادث تروریستی و لگوگراد شوک شده بودند و برای المپیک زمستانی سوچی آماده می‌شدند، شدت گرفت؛ جنگ سردی که با فرار یانوکویچ و روی کار آمدن رهبران مخالفان شدت بیشتری گرفت و با جدایی کریمه از اوکراین به اوج خود رسید.

اما آیا روسیه و آمریکا وارد جنگ سردی جدید شده‌اند؟ اگر زاویه نگاه خود را از بستر این حوادث بالاتر ببریم و از بالا به روابط این دو کشور نگاهي ببنداریم، متوجه می‌شویم دو کشور به‌خوبی زمین بازی خود را می‌شناسند و بر قواعد آن تسلط دارند. «ویتالئ ناٹومکین» رئیس‌استیتو شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه در جلسه‌ای که در موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس) داشت، چندین و چندبار تأکید کرد: اما روی کره‌زمین زندگی می‌کنیم و باید قواعد زندگی روی این کره را رعایت کنیم. ما روی کره‌مریخ که زندگی نمی‌کنیم.»

هدف ناٹومکین در آن جلسه این بود که به ما بگوید ما اگرچه در برخی موارد با ایالات‌متحده اختلاف نظر اساسی داریم، اما در بسیاری از موارد دیگر نیز با یکدیگر همکاری‌های مشترک داریم؛ از این‌رو روابط خود را تیره نخواهیم کرد. این گفته کاملاً درست بود چراکه ما شاهد هستیم در بحران اوکراین و همزمان با موضع‌گیری‌های تند سیاستمداران دو کشور، همکاری‌های فضایی میان آنها ادامه دارد و روی آن تأکید ویژه‌ای نیز می‌شود. همان‌طور که حجم مبادلات اقتصادی دو کشور نیز دستخوش آسیب نبوده است.

موضوع اوکراین- و به‌خصوص کریمه- از منظر دیپلماتیک، سیاستمداران دو کشور را به‌شدت با یکدیگر گلاویز کرده است. اما چقدر این منازعه جدی است و حق با چه کسی است؟

پس از فروپاشی شوروی ناوگان روسیه همچنان در دریای سیاه حضور داشت. اوکراینی‌ها معتقد بودند این ناوگان متعلق به آنهاست ولی روس‌ها بر این باور بودند که باید تقسیم شود. سرانجام در سال ۱۹۹۷ به قرار دادی، مقر شد به‌مدت ۲۰سال (تا سال ۲۰۱۷) نیروهای نظامی روس در منطقه دسوتولپتیک کریمه باقی بمانند و در مقابل، روسیه انرژی اوکراین را تأمین کند. در سال ۲۰۱۰ بر اساس گفت‌وگوهایی انجام‌شده میان «امدوف» و«یانوکویچ» روسای جمهور وقت دو کشور این قرارداد برای مدت ۲۵سال دیگر (تا سال ۲۰۴۱) تمدید شد. به موجب این قرارداد، دولت روسیه به‌طور قانونی اجازه دارد در کریمه نیروهای نظامی خود را مستقر کند، اما مشاهده می‌کنیم دولتمردان غربی و آمریکایی با وجود اینکه از این توافقنامه مطلع هستند به‌گونه‌ای سخن می‌گویند که گویا استقرار نیروهای روس در کریمه خلاف قانون و در تعامیت ارضی کشور اوکراین دخالت شده است.

در واقع به‌نظر می‌رسد این منازعه، ادامه بازی سوریه است. غرب در بازی ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود درصدد است با فشار بر روسیه توسط «مهره اوکراین» سوریه را به‌طور نسبی از آن خود کند. اما «سرگئی لاوروف» وزیر خارجه روسیه در این مدت هوشمندانه عمل کرد و موضع‌گیری‌های دموکراتیک و بسیار خوبی انجام داد. بسیاری منظر بودند پس از به قدرت‌رسانی مخالفان یانوکویچ، گر جستجانی دیگر در اوکراین تحقق یابد اما روسیه تلاش کرد تا کمتر از ابزار نظامی برای رسیدن به اهدافش استفاده کند.

آمریکا و متحدان غربی آنها در موضوع سوریه، روسیه را به دخالت در کشور سوریه متهم می‌کردند اما این‌بار با تغییر زمین‌بازی، آنها بودند که در امور اوکراین به‌طور آشکار دخالت کردند و در مقابل روس‌ها، چهره‌ای حقوق‌بشری به خود گرفتند.

روس‌ها می‌توانستند به‌راحتی و با توجه به اقبال عمومی که در شرق اوکراین نسبت به آنها وجود دارد نهنه‌ها کریمه بلکه خاخ‌کف، دونتسک و لوهانسک را نیز به تصرف خود در آورند. اما روسیه خواستار برگزاری همه‌پرسی شد. تفاوت دموکراسی کریمه با دموکراسی کیف آن بود که در کریمه با همه‌پرسی روسیه مدیریت کرد و این منطقه را به خود پیوند زد، حال آنکه در کی‌یف غرب با توسل به زور و شورش، دولت را از آن خود کرد. کشورهای غربی باید این واقعیت را ببپذیرند که اگر دموکراسی کف خیابانی را برای غرب اوکراین پذیرفته‌اند، باید این نوع خودموکراسی را در شرق این کشور نیز بپذیرند. در کی‌یف مخالفان دولت یانوکویچ با حمایت آشکار غرب، مسند قدرت را به دست گرفتند، اما اکنون همین دموکراسی از برای مردم شرق کشورشان برنمی‌تابند. جدایی کریمه از اوکراین بر اساس معیارهای روی کار آمدن مخالفان، عین دموکراسی است.

دولتمردان اوکراینی به‌خوبی می‌دانند ادعایی که آنها علیه حضور نیروهای روس مطرح می‌کنند، ادعای محکم‌پسوند ندارد و به همین خاطر تنها در رسانه‌ها بر آن تأکید می‌کنند و بر موج رسانه‌ای غرب سوار هستند. حال آنکه اگر این ادعاها خاستگاه قانونی داشت، بدون تردید از راه دادگاه‌های بین‌المللی پیگیری می‌گردند.

یک‌بار دیگر به ابتدای سخن برگردیم. از تحریم‌ها علیه روسیه با ورود اسنودن شروع کردم و می‌خواهم با تحریم‌های این‌بار غرب به بهانه کریمه علیه روسیه خاتمه دهم.

آمریکا و متحدان غربی آنها که با اعمال تحریم‌ها علیه ایران، خود نیز دچار ضررهایی شده‌اند، به‌خوبی آگاه هستند تحریم کشور بزرگی همانند روسیه که پنجمین اقتصاد بزرگ دنیاست و سالانه به میزان ۴۶۰میلیارد دلار با اروپا و ۴۰میلیارد دلار با آمریکا حجم تجارت خارجی دارد، نهنه‌ها کار آسانی نیست بلکه حتی می‌توان گفت نشدنی است. از این‌رو مطرح‌شدن تحریم روسیه در کشور به‌شکل می‌تواند خوراکی برای افکار عمومی باشد و یقیناً دولتمردان دو کشور بزرگ همچون فدراسیون روسیه و ایالات‌متحده آمریکا بر اهمیت همکاری‌های مشترک خود آگاه هستند.

به‌نظر می‌رسد آمریکا با مطرح کردن گزینه تحریم علیه روسیه می‌خواهد در اذهان عمومی قدرت اقتصادی بالای خود را نشان دهد به این معنا که مردم احساس کنند هر کجا که کشوری در مقابل ایالات‌متحده بایستد، این کشور به‌راحتی می‌تواند با استفاده از ابزار تحریم آن کشور را نابود کند؛ در مقابل نیز روسیه به همین ابزار در بعد رسانه‌ای استفاده می‌کند و آمریکا را به تحریم‌هایی تهدید خواهد کرد؛ اما همه اینها تنها بعد رسانه‌ای دارد. سیاستمداران و دولتمردان آمریکایی و روس به‌خوبی می‌دانند که روی کره‌زمین زیست می‌کنند و قوانین آن را به‌خوبی می‌دانند، از این‌رو حفظ همکاری‌های مشترک و در قدرت‌ماندن نیز برای آنها بسیار ارزشمند خواهد بود.

✽ **سربدر سایت ایراس**